

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی (با تأکید بر دو مؤلفه‌ی نظریه و آموزش)

امیر ریسمانباف

کارشناس ارشد علوم اطلاع‌رسانی و مسئول کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی سازمان آب و برق خوزستان

rismanbaf@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۱۵

چکیده

گرچه هیچ حرفه‌مندی نیست که بی‌نیاز از یک نظام اخلاقی باشد؛ اما چنین امری در حرفه‌های خدمت‌مداری چون کتابداری و اطلاع‌رسانی، نمودی مضاعف دارد. با این حال، کمبود برنامه‌های آموزشی در زمینه‌ی آموزش اخلاق حرفه‌ای به کتابداران محسوس است. از دیدگاه این نوشتار، تدوین اخلاق حرفه‌ای فراتر از نوشتن دستوری مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست. هر باید و نبایدی که مبنای فلسفی مستدل نداشته باشد، در حدّ دستوری فرمایشی باقی خواهد ماند. بر این اساس، نگارنده، نظریه‌ای تحت عنوان «نظریه‌ی کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها» را به عنوان سنگ بنایی برای تدوین و نیز آموزش اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان پیشنهاد داده است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان، نظریه‌ی کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها، آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی.

اخلاق؛ موضوعی مناقشه‌برانگیز

مقوله‌ی اخلاق از زمان‌های دور مورد مذاقه و مناقشه‌ی فلاسفه، دانشمندان، حرفه‌مندان، علمای دینی و ... بوده است. طرفه آنکه در میان هر یک از این گروه‌ها هم نه تنها اتفاق نظری به چشم نمی‌خورد که چشم‌اندازی برای توافق نیز قابل تصور نیست. به عنوان نمونه، در عالم فلسفه، از یک سو، طیفی از فلاسفه، از اپیکور^۱ (۲۷۰ ق.م)، افلاطون (۳۴۷ ق.م) و ارسطو (۳۸۴ ق.م) گرفته تا کانت^۲ (۱۸۰۴ م)، جان استوارت میل^۳ (۱۸۷۳ م) و دیگران، هر یک مفهوم و ملاک بنیادینی هم‌چون لذت، عدالت، فضیلت، وجدان، نفع و فایده‌ی عمومی و... را برای نظام‌های اخلاقی پیشنهادی‌شان در نظر گرفته و بنایی عظیم را بر آن مفهوم بنیادین بنا نهاده‌اند؛ و از سوی دیگر، فیلسوف متهووری چون نیچه^۴ (۱۹۰۰ م) صرف‌نظر از استثنایی چون سیاق عقل‌باوری^۵ وابسته به دکارت^۶ (۱۵۹۶ م)، یک‌جا دستگاه‌های فلسفی از دوران افلاطون به بعد (و البته پیش از آن را نیز) را به باد انتقاد می‌گیرد و به اخلاق به عنوان اصولی که خطاب‌شان به «همه» است و بدین مناسبت برای «همه» تعمیم می‌یابند و بی‌چون و چرا سخن می‌گویند و بی‌چون و چرا انگاشته می‌شوند، می‌تازد. او این انتقاد بی‌محابا را بر این پایه بنیان می‌نهد که دستگاه‌های فلسفی که از نظر وی عبارت‌اند از فلسفه‌بافی‌هایی در باب یافتن حجت‌هایی برای مفهوم اخلاق، به خود مفهوم اخلاق نپرداخته‌اند و آن را مقوله‌ای از پیش‌انگاشته، فرض کرده‌اند (نیچه، ۱۳۶۲).

در خارج از دنیای فلسفه هم چنین تشّت افکاری در باب مفهوم اخلاق مشهود است. در حوزه‌ی علم، رابطه‌ی علم و اخلاق غالباً مناقشه‌آمیز است که اغلب این مناقشات، ریشه‌ی تاریخی دارند. در دوران قرون وسطی، اخلاق به همراه تعصّبات دینی و فلسفی‌مآبانه به مثابه‌ی سدّی در برابر شکوفایی علمی بوده است. بازتاب چنین رخداد تاریخی در زمان ما این بحث را تشدید ساخته است که اخلاق، مطلقاً حقّ ورود به حیطه‌ی علم را ندارد. این در حالی است که در نظر برخی دیگر، چنین اطلاق‌گرایی، مردود شمرده شده و آن را مشمول استثنائاتی می‌دانند.^۸

1. Apichor

2. Kant

3. John S. Mill

۴. به عنوان نمونه نگاه کنید به:

انجمن کتابداری قم (تألیف و ترجمه)، اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان، ویراسته علیرضا اسفندیاری مقدم (تهران: کتابدار، ۱۳۸۶)، ص. ۱۸-۲۰.

5. iche

6. Rationalism

7. Descartes

۸. به عنوان نمونه نگاه کنید به:

محمدحسینی، «فروم تأمل درباره‌ی تعیین حدود دانش و فن‌آوری؛ روشنفکران و آینده‌ی علم»، جام‌جم، (۱ آبان ۱۳۸۷) ص. ۱۱.

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

در این میان، پوزیتیویست‌ها (به ویژه پوزیتیویست‌های منطقی^۱) با اصرار بر جدایی هر گونه داوری ارزشی از تحلیل‌های تجربی و در نتیجه جدایی اخلاق از علم پوزیتیویستی، تکلیف خود را با اخلاق این گونه یکسره کرده‌اند. آنان حتی سخن گفتن از قضایای متافیزیکی و از جمله اخلاقی را ناممکن و بلکه در پاره‌ای از موارد، مهمل و بی‌معنی دانسته‌اند (مدرسی، ۱۳۷۶). با این حال، تعبیر «علم اخلاق» تعبیر نامعروفی نیست؛ گرچه به شدت مناقشه‌برانگیز است. اسپینوزا^۲ (۱۶۳۲ م.) یک نمونه‌ی قدیمی ولی مهم در این باره است که به عنوان یک فیلسوف و نیز یک دین‌کار طرد شده از جامعه‌ی یهودیان، معتقد است که اصول و قواعد اخلاقی می‌توانند و می‌بایست از مجموعه‌ای از اصول فلسفی و علمی نتیجه شوند، و بدین سان، به زعم وی، گزاره‌های اخلاقی وارث همان درجه‌ی تیقن و وضوح و تمایز اصول علمی هستند (جهانگیری، ۱۳۶۴). سروش (۱۳۶۰)، نمونه‌ی متأخری است که گرچه قایل به جدایی مقولات علم و اخلاق است و برون‌ده اولی را «توصیف» و برون‌ده دومی را «تکلیف» خوانده و موضوع علم را «واقعیت» و موضوع اخلاق را «ارزش و فضیلت» قلمداد می‌کند؛ لیکن وی یکسره اخلاق را از علم و گزاره‌های علمی نمی‌برد. او می‌گوید: گرچه کشف‌های علمی هیچ‌گاه نمی‌توانند اصول اخلاقی بیافرینند، لیکن می‌توانند آن اصول اخلاقی که اجراپذیر نیستند را آشکار سازند. رد پای روند پوزیتیویستی شدن، به گونه‌ای دیگر در عالم هنر هم به چشم می‌خورد. طرفداران مکتب «هنر برای هنر» به طور طبیعی، بی‌میل نیستند که یک‌جا اخلاق، ایدئولوژی، علم و هر آنچه جز هنر را از این حوزه بیرون برانند^۳ و این درست نقطه‌ی مقابل «هنر متعهد و اخلاقی» است.

علمای دینی هم به تعداد ادیان، مذاهب و گاه حتی به قدر گوناگونی تفقهات دینی، مروج نظام‌های اخلاقی بی‌شماری‌اند؛ همچون اخلاق مسیحی، اخلاق اسلامی، اخلاق بودایی و نگاهی به این همه آراء و نظرات گوناگون، دیدگاه کسانی چون مور^۴ (۱۳۶۶) را موجه و

1. Logical Positivists

2. Spinoza

۳. نگارنده بر این نظر است که دایره‌ی مفهومی اخلاق آن چنان گسترده است که پوزیتیویست‌ها (و مکاتب مشابه) نمی‌توانند مدّعی گسست کامل از هر نظام اخلاقی باشند؛ چراکه اساس تفکر آنها مبنی بر اینکه تجربه، ملاک و ابزار اصیل دستیابی به حقیقت است، خود گزاره‌ای برآمده از یک داوری ارزشی است و تجربه‌پذیر نیست. بنابراین چنین نگرشی از سوی پوزیتیویست‌ها ناظر بر این که گزاره‌های اخلاقی مهمل‌اند و یا دست کم در برابر این گزاره‌ها بی‌موضع‌اند، خود یک داوری ارزشی به حساب آمده و اساس یک دستگاه و نظام اخلاقی دیگر است.

4. Moore

منطقی می‌نمایاند که معتقدند «اخلاق موضوعی است که با همه‌ی وقت و کوششی که در مطالعه‌ی آن به کار رفته، درباره‌ی آن اختلاف عقیده بسیار بوده و هنوز هم است». چنین تشبیه در آرای بی‌شماری را می‌توان به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی که خاستگاه چنین نظریاتی بوده‌اند، نسبت داد. شکی نیست که اخلاق، مفهومی فرهنگ‌وابسته است و هر یک از این نظریه‌پردازان و صاحبان مکاتب اخلاقی - آگاهانه یا ناآگاهانه - تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی زمانه، به نظرگاه‌های خاصی از مفهوم اخلاق دست یافته‌اند.

با این حال، این همه گوناگونی در نظریه‌ها مانع از آن نشده است که یک تقسیم‌بندی کلان از مکاتب و نظام‌های اخلاقی حاصل شود (نظام‌های اخلاقی پیش و پس از انقلاب کپرنیکی در اخلاق). امروزه این سخن شگفت نمی‌نماید که مسئولیت‌های اخلاقی در طیفی از مسئولیت‌های فردی - شخصی تا مسئولیت‌های فردی - شغلی و نیز مسئولیت‌های سازمانی گسترده‌اند؛ اما ردّ پای چنین باوری در نظام‌های اخلاقی کهن قابل مشاهده نیست. از این رو می‌توان گفت که بر خلاف نظام‌های اخلاقی دیرپایی چون نظام ارسطویی که در آنها اخلاق امری درونی قلمداد شده؛ امروزه مسئولیت‌های اخلاقی به حیطه‌ی مناسبات بین‌شخصی و سازمانی و گروهی نیز کشیده شده است. چنین تحولی را «انقلاب کپرنیکی در اخلاق» نامیده‌اند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲)؛ که نقطه‌ی عطفی در پیشینه‌ی مکاتب اخلاقی است. نتیجه‌ی چنین نظرگاه‌هایی، پیدایش مفهوم «اخلاق کاربردی» است که «اخلاق حرفه‌ای»^۱ یکی از اقسام آن است. بنابراین، خاستگاه مفهوم اخلاق حرفه‌ای، دیدگاه‌هایی است که اخلاق را فراتر از مجموعه‌ای از مسئولیت‌های فردی و شخصی می‌بیند. خوشبختانه، غیرمنطقی نیست اگر بنا بر دلایلی انتظار داشته باشیم تا در حیطه‌ی موضوعی اخلاق حرفه‌ای، اشتراک نظرهای بیش‌تر و پراکنده‌گی‌ها کم‌تر باشد؛ هر چند که اخلاق حرفه‌ای نیز به تبع موضوع اخلاق - به طور عام - مسئله‌ای فرهنگ‌وابسته است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲). امیدواری نگارنده در این باره به دو دلیل زیر است:

۱. به عنوان نمونه نگاه کنید به:

احد فرامرز قراملکی، اخلاق حرفه‌ای (تهران: احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲)، ص. ۹۹.

۲. در بخش‌های آتی این نوشتار درباره‌ی مفهوم اخلاق حرفه‌ای اشاره‌ی بیشتری خواهد شد.

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

۱- طبیعتاً نظریه‌پردازان و حرفه‌مندان که مایل به بحث درباره‌ی موضوع اخلاق حرفه‌ای‌اند، پیش‌تر مفهوم «حرفه» را پذیرفته‌اند؛ و نیز به طور ضمنی، تأیید نموده‌اند که حوزه‌ی نظری و عملی (رشته‌ی) آنان قابلیت بدل شدن به یک حرفه را داراست. اگر چنین باشد، آنان درباره‌ی مفهوم و موضوع «اخلاق» کمتر به بحث نیاز خواهند داشت؛ چرا که مفهوم اخلاق در بطن مفهوم «حرفه» مستتر است و پذیرش اصالت حرفه یعنی پذیرش اخلاق به معنای مفروضی از پیش انگاشته و این خود از پراکندگی نظرها و آراء در همان قدم نخست می‌کاهد. برای پی بردن به پیوند ناگسستنی مفهوم حرفه با اخلاق کافی است به پیشینه‌ی پیدایش اصطلاح حرفه در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی (اوج دوران اصلاح‌طلبی دینی) مراجعه شود. به قول وبر^۱ (۱۳۷۱) در دوران اصلاح‌طلبی دینی، اصطلاح «حرفه» با این گزاره شکل گرفت که تحقق حرفه‌ی هر فرد در فعالیت‌های دنیوی وی، عالی‌ترین شکل فعالیت اخلاقی است. به عبارت روشن‌تر، حرفه در بدو پیدایش‌اش، در نظرگاه کسانی چون لوتر^۲ - مبارز سرسخت و سر سلسله‌جنبان کوشش‌های اصلاح‌طلبانه‌ی دینی در اروپا - به عنوان توجیهی اخلاقی از فعالیت دنیوی به کار رفته است (وبر، ص. ۷۵). این بدان معناست که از آغاز، حرفه با مفهوم اخلاق عجین بوده و پذیرش مفهوم حرفه به معنای پذیرش خودبه‌خودی اخلاق حرفه‌ای است. چنین پیشینه‌ای در تعاریف امروزی از حرفه انعکاس قدرتمندی دارد، و همواره اخلاق، یک رکن اساسی در تعاریف معتبر ارائه شده از مفهوم حرفه بوده است.^۳

۲- مسئله‌ی دوّم قابل اتفاق در میان نظریه‌پردازان و حرفه‌مندان علاقه‌مند به موضوع اخلاق حرفه‌ای یک رشته، رشته‌ای نامرئی است که آنان را به یکدیگر پیوند زده است. اعتقاد جمعی آنان - ولو به طور نسبی - به الگوها، اصول، آرمان‌ها و چارچوب‌های نظری و فلسفی رشته و

1. Weber

2. Luther

۳. به عنوان نمونه تعریف فرهنگ وبستر (۱۹۶۱) از حرفه چنین است: «پیشه‌ای که مستلزم وجود دانشی است تخصصی و اغلب [بر] تدارکی طولانی و ژرف شامل آموزش مهارت‌ها و روش‌ها تأکید دارد و با استناد به سازمان و تشکیلات یا اتفاق آراء و استانداردهای والای دستاوردها و رفتار و سلوک پشتیبانی می‌شود و اعضای خود را به مطالعاتی مستمر و نوعی کار، متعهد می‌کند که نخستین مقصود آن ارائه خدماتی عمومی است.» (نقل در مختاری معمار، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۶). در واقع در تعریف فرهنگ وبستر، عناصر اصلی و لازم در هر حرفه‌ای، دانش تخصصی، نظام آموزشی، انجمن‌ها و تشکیلات سازمانی و صنفی، استانداردها و اخلاق حرفه‌ای، و بالاخره خدمات عمومی، توصیف شده‌اند.

حرفه‌ی مشترک.

با این حال، استنتاجات گفته شده به معنای نفی تأثیر زمینه‌های فرهنگی مختلف بر مفاهیم مربوط به اخلاق حرفه‌ای نیست؛ بلکه گمان نگارنده چنین است که احتمال به دست آمدن اشتراکات بیشتر در میان دانشمندان و حرفه‌مندان یک رشته در موضوع اخلاق حرفه‌ی مشترک، بسیار زیاد است. به عنوان نمونه، نتایج پژوهش شاجاف^۱ (۲۰۰۵) تأییدی بر این مدعاست. وی پس از مقایسه و بررسی ۲۸ بیانیه و منشور اخلاقی کتابداران در ۲۸ کشور جهان، از یک سوی به این نتیجه می‌رسد که ساختار هر یک از این نظام‌نامه‌های اخلاقی بازتابی است از ویژگی‌های فرهنگی هر یک از این کشورها (بی تأثیر نبودن زمینه‌های فرهنگی بر مفاهیم مربوط به اخلاق حرفه‌ای)؛ و از سوی دیگر، مقایسه‌ی تطبیقی وی به ارزش‌هایی اشاره دارد که در همه‌ی این نظام‌نامه‌ها مشترکند (احتمال اشتراک نظرها در حیطه‌ی موضوعی اخلاق حرفه‌ای).

اخلاق، دانش اخلاق، فلسفه‌ی اخلاق

عمداً پیش از پرداختن به مفاهیم بنیادین در حوزه‌ی اخلاق به مناقشه‌انگیز بودن مفاهیم این حوزه اشاره کردم تا نشان دهم از گوناگونی و تفاوت در دیدگاه‌ها و قرائت‌های متنوع از مفاهیم این حوزه آگاهی دارم. لیکن از آنجا که گردآوری همه‌ی تعاریف و دیدگاه‌ها درباره‌ی این مفاهیم نه عملی است و نه در توان نگارنده، در این بند از نوشتار به ذکر اشاراتی بسنده شده است.

اخلاق: اخلاق را بر حسب مبادی گوناگونی تعریف کرده‌اند. به عنوان نمونه، فلاسفه و علمای اسلامی غالباً در تعریف اخلاق، صفات (فضایل و رذایل) را مبداء بحث گرفته‌اند. از این نظر، چنانکه ملأصدرا می‌گوید: اخلاق، جمع خلق و به معنای مجموعه‌ای از صفات راسخ نفسانی تعریف می‌شود. ملکات و صفات پایداری که سبب می‌شوند تا انسان، کارهای متناسب با این صفات را بدون تفکر و تأمل و به راحتی انجام دهد. در این دیدگاه، شرایطی که غالباً برای صفات اخلاقی ضروری شمرده می‌شود، یکی لزوم اختیار و آزادی فرد در بروز این صفات، و دیگری قابلیت کسب کردن و تثبیت شدن آنهاست (انجمن کتابداری قم، ۱۳۸۶).

در عوض، همان‌طور که پیشتر گفته شد، حاصل انقلاب کپرنیکی در اخلاق آن بود که

1. Shachaf

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

مفاهیمی چون «رفتار و اعمال اجتماعی انسان»، «تکالیف و مسئولیت‌های شغلی، حرفه‌ای و سازمانی» و «مناسبات بین فردی» در کانون توجه علاقه‌مندان به موضوع اخلاق قرار گرفت. یکی از تبعات مهم چنین تحوّل، خارج شدن مبحث اخلاق از انتزاع صددرصدی است؛ چرا که این مفاهیم (به ویژه رفتار و اعمال انسان و نه صفات درونی‌اش) نسبت به دروئیاتی چون فضایل و رذایل، از عینیت و تعین بیشتری برخوردارند. در نتیجه، قدری از انتزاعی بودن مطلق مفاهیم اخلاقی کاسته شد و تعاریف ملموس‌تری از اخلاق به دست آمد. شاجاف (۲۰۰۵) تحت تأثیر چنین فضایی اخلاق را مشتمل بر اصول و ارزش‌هایی می‌داند که تعیین‌کننده‌ی درستی یا خطای رفتار یک فرد یا گروه است.

دانش اخلاق: از آن رو می‌گوییم دانش اخلاق تا از تیررس انتقادات طرفداران «علم پوزیتیویستی» و نیز فیلسوفانی چون نیچه تا حدودی در امان باشم. به عنوان نمونه‌ای از مخالفت‌های سهمگین روی داده با شناسایی اخلاق به عنوان یک علم، به نیچه می‌توان اشاره داشت که در برابر تعبیر «علم اخلاق» تاب نمی‌آورد و صراحت دارد که اخلاق کمتر از آن است که «علم» به شمار آید. او از ارسطو گرفته تا رواقیون تا اسپینوزا و ... را یک به یک از دم تیغ تیز نقدش بی‌نصیب نمی‌گذارد و دستگاه‌های رایج اخلاقی را به زعم خودش در دو کلمه خلاصه می‌کند: زرنگی و حماقت (نیچه، ۱۳۶۲). ولی این بدان معنی نیست که او منکر هر گونه نظام‌نامه‌ی اخلاقی است؛ بلکه اتفاقاً او دیدگاه خاصی درباره‌ی اخلاق دارد. اولاً وی از این جهت به نظام‌های اخلاقی پیشین‌اش می‌تازد که به زعم وی در آنها، فلاسفه و علمای دینی در مصاف عقل و غریزه، کوشیده‌اند تا جانب غریزه را گرفته و بر عقل تفوقش دهند (نیچه، ۱۳۶۲). و ظاهراً از این رو، به گمان نیچه، اخلاق شایستگی مرتبه‌ی علم را ندارد. دلیل دیگر وی برای تاختن به این نظام‌ها و کشیدن اخلاق از سریر یک علم به زیر، آن است که او اخلاق را به عنوان اصولی که مخاطبش به گونه‌ای بی‌بحث و گفتگو، «همه» تلقی می‌شود، به شدت به زیر سؤال می‌برد (نیچه، ۱۳۶۲). نظام اخلاقی آرمانی نیچه با «نظریه‌ی قدرت» وی عجین شده است. او می‌گوید: «هر چه به قدرت بیانجامد و قدرت انسان را بیشتر کند، اخلاقی است و هر چه موجب ضعف انسان شود، غیر اخلاقی است» (انجمن کتابداری قم، ۱۳۸۶).

به هر روی، اگر از عبارت «علم اخلاق» صرف‌نظر کنیم، و شناخت فضایل و رذایل

اخلاقی (انجمن کتابداری قم، ۱۳۸۶) یا از نظر گاهی دیگر، بررسی در باب گزاره‌هایی مبتنی بر «چه باید کرد؟» و «چه نباید کرد؟» (سروش، ۱۳۶۰) را موضوع دانشی به نام «دانش اخلاق» بنامیم، حتی با خط کش پوزیتیویست‌ها و یا با محک فلسفی نیچه هم سخنی به گزاف نگفته‌ایم. چرا که این داوری‌های ارزشی حتی اگر یکسره از دایره‌ی تحلیل‌های تجربی و در نتیجه از حلقه‌ی تنگ «علم پوزیتیویستی» بیرون باشند (که بیرون هستند) و یا ناسازگار با عقل فلسفی‌اندیشی چون نیچه قلمداد شوند، دست کم می‌توان آنها را جزئی از پیکره و پیشینه‌ی معرفتی بشر از چند هزار سال پیش به این سو دانست. در هر صورت، بسته به اینکه مفهوم اخلاق را چگونه دیده‌اند (مجموعه‌ای از صفات یا مجموعه‌ای از رفتارها، تکالیف، مسئولیت‌ها و ...) دانش اخلاق را تعریف کرده‌اند.

فلسفه‌ی اخلاق و نظام‌های اخلاقی: سرچشمه‌ی اختلاف در دیدگاه‌ها و تفاوت در دستگاه‌ها و نظام‌های اخلاقی به تفاوت‌ها در حیطه‌ی فلسفه‌ی اخلاق باز می‌گردد. در فلسفه‌ی اخلاق، مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی مطرح در دانش اخلاق، به کندوکاو و چون‌وچرایی گذارده می‌شوند. مثل اینکه، چرا می‌بایست به این «بایدها» و «نبایدها» گردن نهاد؟ انجام این «بایدها» و «نبایدها» انسان را به چه سر منزل مقصودی رهنمون می‌سازد؟ گزاره‌ها و قضایای اخلاقی بر کدام بنیاد و اصل اصیل بنا شده‌اند؟ و به عبارت دیگر به قول مدرسی (۱۳۷۶) اگر برون‌ده دانش اخلاق، مجموعه‌ای از دستورات و بایدها و نبایدهاست؛ برون‌ده فلسفه‌ی اخلاق، «نظریه و توصیف» است.

از این منظر، هر مکتب و نظام اخلاقی این گونه بنا شده است. از آن‌جا که داوری‌های اخلاقی محتاج شاخص و ملاک می‌باشند، هر فیلسوف صاحب‌نظری یک ملاک نهایی را برای داوری‌های اخلاقی برمی‌گزیند (نظیر ملاک عدالت در نظر افلاطون و نفع و فایده‌ی عمومی در نظر جان استوارت میل). ملاکی که دلیل خوبی همه‌ی رفتارها و شاخص‌هاست؛ اما خود فی نفسه خوب است و در خوب بودن احتیاج به استدلال ندارد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲). به قول کانت برای کشف این ملاک و اصل نهایی اخلاق باید از مرحله‌ی قضاوت اخلاقی معمولی به قضاوت فلسفی رسید (نقیب‌زاده، ۱۳۶۴). بنابراین، پیشنهاد اصل و ملاک برتر و نهایی اخلاق و به تبع آن، پی‌افکنی نظامی اخلاقی که بر شانه‌ی آن اصل برتر استوار است و در چارچوبی به نام

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

«دانش اخلاق» تفصیل می‌یابد، خروجی یک دستگاه فلسفی و برون‌ده فلسفه‌ورزی‌هایی در باب مفاهیم اخلاق است. به بیانی دیگر، دانش اخلاق ریشه در نظام‌ها و دستگاه‌های اخلاقی؛ و هر نظام و دستگاه اخلاقی ریشه در فلسفه‌ی منحصر به خود دارد.

اخلاق حرفه‌ای؛ مفهوم، پیشینه و ضرورت‌های آن در کتابداری و اطلاع‌رسانی

در مبحث اخلاق حرفه‌ای، همان‌گونه که از نامش بر می‌آید، سخن از مجموعه‌ای از گزاره‌های اخلاقی و باید و نبایدهایی است که خطابش در درجه‌ی نخست به حرفه‌مندان یک رشته و در ارتباط با مسئولیت‌های حرفه‌ای آنان است. گرچه ممکن است این گزاره‌ها و عقبه‌های فلسفی آن مورد توجه دیگرانی هم چون بهره‌گیران از خدمات و خروجی آن حرفه، حرفه‌مندان رشته‌های وابسته و نزدیک، فلاسفه‌ی علم و ... نیز قرار گیرند. دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اطلاعات و کتابداری^۱، اخلاق حرفه‌ای را این‌گونه تعریف کرده است: مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته‌شده که از سوی سازمان‌ها یا مجامع حرفه‌ای مقرر می‌شود تا مطلوب‌ترین روابط اجتماعی ممکن را برای اعضای خود در اجرای وظایف حرفه‌ای فراهم آورد (نشاط، ۱۳۸۱).

پیشتر گفته شد که نطفه‌ی آغازین موضوع اخلاق حرفه‌ای با نخستین نظرهای اصلاح‌طلبانه‌ای که درباره‌ی مفهوم حرفه توسط کسانی چون لوتر بیان شد، شکل گرفت. حرفه در همان بدو پیدایش‌اش با ترویج لزوم تعهد انسان به انجام تکالیفی اخلاقی در قالب فعالیت‌های مادی و این جهانی‌اش عجین گشت. از این رو، پیشینه‌ی اخلاق حرفه‌ای که گونه‌ای از اخلاق کاربردی و ثمره‌ای از ثمرات دوران اصلاح‌طلبی دینی و بعد از آن، انقلاب کپرنیکی در اخلاق است، به دوران بعد از قرون وسطی باز می‌گردد؛ و ریشه در قرون باستان و وسطی ندارد.

در دنیای کتابداری، قواعد اخلاقی نخستین بار در قرن نوزدهم توسط پلامر^۲، مدیر دانشکده‌ی کتابداری مؤسسه‌ی پرات^۳ مطرح شد (نشاط، ۱۳۸۱). بر خلاف نظر ذکر شده در ذیل مدخل «اخلاق حرفه‌ای» در دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی که می‌گوید: «حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی اندکی دیر به عرصه قوانین و رفتارهای اخلاقی وارد شد» (نشاط،

1. International Encyclopedia of Information and Library Science
3. Pratt Institute

2. Plummer

۱۳۸۱، مدخل اخلاق حرفه‌ای)، به نظر می‌رسد که زودتر از این زمان، امکان طرح این موضوع در دنیای کتابداری ممکن نبوده است. اخلاق حرفه‌ای مفهومی کاملاً وابسته به شرایط حرفه‌ای رشته است؛ از این رو، چگونه می‌توان از رشته‌ای که در دو دهه‌ی پایانی قرن نوزدهم، نخستین گام‌ها را برای نیل به شرایط حرفه‌ای شدن برداشته (تأسیس «انجمن کتابداری آمریکا»^۱ و چاپ اولین نشریه تخصصی کتابداری با عنوان «مجله کتابداری»^۲ در سال ۱۸۷۶ و تأسیس نخستین دانشکده کتابداری در دانشگاه کلمبیا در سال بعد از آن) انتظار داشت که زودتر از آغاز فرآیند حرفه‌ای شدن، بدین موضوع بپردازد. به نظر نگارنده، آنچه که باید به نقد گذارده شود، کم‌توجهی به این مقوله در برنامه‌های آموزشی رشته – چه از حیث آموزش‌های رسمی و چه از حیث برنامه‌های صنفی – در طول بیش از یکصد سال گذشته، یعنی از زمان آغاز حیات آکادمیک کتابداری است. به عنوان نمونه، اسمیت^۳ (۲۰۰۲) گلایه‌مند آن است که به رغم آنکه در چند سال اخیر، مبحث «اخلاق اطلاعات» – به عنوان محور اخلاق حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی – به یک مسئله و موضوع حیاتی بدل شده، در برنامه‌های آموزشی علوم کتابداری و اطلاعات، دوره‌های کمی به این موضوع و مباحث مربوطه اختصاص یافته است؛ حال آنکه در دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی علوم رایانه (به‌ویژه در ایالات متحده) هم دوره‌های آموزشی بیشتری در این باره تدارک دیده شده و هم استقبال خوبی از برگزاری چنین دوره‌هایی شده است.^۴ در ایران نیز، به رغم گذشت بیش از چهل سال از پیشینه‌ی کتابداری به عنوان رشته‌ای دانشگاهی، به تازگی پیش‌نویس «اصول اخلاقی کتابداران و اطلاع‌رسانان ایران» توسط انجمن کتابداری قم (۱۳۸۶) تهیه شده است. علل چنین عارضه‌ای (کم‌مایگی نظریه و آموزش اخلاق حرفه‌ای در رشته‌ی علوم کتابداری و اطلاعات) در بند آتی این نوشتار به کنکاش و چرایی گذارده خواهد شد. به هر روی، بعدها دو حادثه‌ی مهم در این حوزه در سال‌های ۱۹۳۹ و ۱۹۵۳ روی داد. سال‌هایی که در آن، انجمن کتابداری آمریکا دست به انتشار (به ترتیب) «لایحه‌ی قانونی حقوق کتابخانه‌ها»^۵ و «بیانیه‌ی آزادی خواندن»^۶ زد (نشاط، ۱۳۸۱).

1. American Library Association = ALA

2. Library Journal

3. Smith

۴. به گمان من، نتیجه‌ی این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد که ما حتی در شیفتگی پدید آمده در رشته در قالب تکنولوژی‌زدگی و بعضاً الگوبرداری افراطی از حوزه‌هایی نظیر علوم رایانه نیز متوازن نبوده‌ایم.

5. Library Bill of Rights

6. Freedom to Read Statement

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

اما از نکات افتخارآمیز مربوط به پیشینه‌ی ارزش‌های اخلاقی در حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی (به‌ویژه در غرب به عنوان خاستگاه رشته) می‌توان به سنت آزادی‌خواهی، مردم‌سالاری، دفاع از حق همگانی دسترسی آزاد به اطلاعات و مقابله با سانسور و اعمال نظر شخصی، سیاسی و ایدئولوژیک در طراحی و ارائه‌ی خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی اشاره کرد؛ تا آنجا که امروزه کتابخانه‌ها به‌طور سنتی به‌عنوان نهادهایی مردم‌سالار در تمدن غرب شناخته می‌شوند. این ارزش‌های اخلاقی آن‌چنان در این نهادها و حرفه‌مندان آنها ریشه دارد که به قول باکلند^۱ (۱۳۸۲) چنانچه به فرض، روزی آن‌چنان تغییرات عمده‌ی فرهنگی و سیاسی در غرب روی دهد که این تحولات، سنت آزادی‌خواه غربی خدمات کتابخانه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و این سنت را بازگرداند، ممکن است کتابداران به عنوان حافظان چنین سنت افتخارآمیزی، کاملاً رویاروی چنین تغییرات مفروضی بایستند.

به رغم چنین سنت و پیشینه‌ی افتخارآمیزی - هم‌چنان که پیشتر نیز گفته شد - موضوع اخلاق در حرفه‌ی ما به نظریه و عمل بیشتری نیازمند است. در ادامه، ضرورت‌های اهتمام به این مبحث، فهرست‌وار اشاره شده است:

۱- نیاز مبرم به تقویت حرفه: به دلایل چندی، هنوز نمی‌توان کتابداری و اطلاع‌رسانی را حرفه‌ای تمام‌عیار خواند^۲. رشته‌ی کتابداری از منظر یک حرفه، در حال گذار و حرفه‌ای شدن است. تحولات به شدت پیش‌بینی‌ناپذیر پدید آمده در دهه‌های اخیر (در نتیجه‌ی رونق بی‌سابقه‌ی بازار اطلاعات و فن‌آوری‌های اطلاعاتی) و پیدایش حرفه‌های پرشمار رقیب در بازار اطلاعات، تقویت جنبه‌های حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی را به ضرورتی عاجل و تعیین‌کننده برای بقا و تداوم حیات آن بدل کرده است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، یک رکن اساسی

1. Buckland

۲. به عنوان نمونه نگاه کنید به:

امیر ریسمانباف، "کتابداری حرفه‌ای مبتلا به فقر نظری؛ پیامدها و پیشنهادهایی برای بهبود"، اطلاع‌شناسی، شماره ۱۳ و ۱۴ (۱۳۸۵)، ص. ۶-۳۲.

امیر ریسمانباف، "کتابداری، حرفه‌ای مبتلا به فقر نظری؛ نگرشی بر ضرورت آگاهی متخصصان علم اطلاعات از بنیادهای نظری علم ارتباطات"، ارائه شده در اولین همایش سراسری کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه شهید بهشتی (تهران، ۲۲-۲۳ آذر ۱۳۸۵).

در هر حرفه‌ای و از جمله در حرفه‌ی ما، اخلاق حرفه‌ای است. نتیجه‌ی اهتمام بیشتر به مبحث اخلاق حرفه‌ای، تقویت حرفه و شتاب در فرآیند حرفه‌ای شدن رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی خواهد بود. باکلند از جمله نظریه‌پردازانی است که بر این پیوند (اخلاق و حرفه) صحه می‌گذارد. وی (۱۳۸۲) هنگامی که بحث از ارزش‌های کتابخانه به‌عنوان ارزش‌هایی اجتماعی می‌کند، تصریح می‌دارد که اینها بر «امور حرفه‌ای» رشته تأثیر گذارند.

۲- افزایش درک متقابل میان حرفه‌مندان و بهره‌گیران خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی:

وجود یک منشور اخلاقی مستدل، مشتمل بر مسئولیت‌های اخلاقی کتابداران و اطلاع‌رسانان، از یک‌سوی، گشاینده‌ی چشم‌انداز روشنی است برای حرفه‌مندان از خدمتی که می‌بایست طراحی کنند، و ارایه دهند؛ و بدین سان، آنان نسبت به کار خود و نیز نیازها و شرایط گروه‌های بهره‌گیر از این خدمات بصیرت بیشتری خواهند یافت. از دیگر سو، وجود چنین فهرستی از مسئولیت‌های اخلاقی، خود بهترین شناسه‌ی کتابداران و حرفه‌ی کتابداری در نظر بهره‌گیران خواهد بود. به همین دلیل، اخلاق حرفه‌ای را اساساً رفتار ارتباطی یک سازمان (نظیر حرفه‌مندان وابسته به یک حرفه و رشته) با محیط بر اساس حقوق و تعهدات و وظایف تعریف کرده‌اند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۲). روشن شدن این حقوق و تعهدات و وظایف است که به درک متقابل میان حرفه‌مندان و بهره‌گیران از خدمات آنان خواهد انجامید؛ و خودبه‌خود، به تقویت اعتبار و شأن حرفه کمک خواهد نمود. فلیس^۱ (۲۰۰۷) از جمله کسانی است که به چنین کارکردی از اخلاق حرفه‌ای معتقد است. او می‌گوید که منشورهای حاوی اصول اخلاق حرفه‌ای برای کتابداران به افکار عمومی درباره‌ی آنچه که حرفه‌مندان در کتابخانه‌ها انجام می‌دهند، بصیرت می‌بخشد. وی همچنین بر این باور است که بدون اتکاء به چنین مستنداتی، کتابداران شانس کمی خواهند داشت تا در موارد اختلاف نظر با کاربران‌شان در مورد کار و خدمتی که انجام می‌دهند، آنان را اقناع سازند.

۳- انسان‌مدار بودن حرفه: هر چقدر هم که ماشینی شدن و خودکارسازی در رشته و

حرفه‌ی ما نفوذ داشته باشد، باز مخاطب و هدف نهایی در هر خدمت اطلاعاتی، «انسان» است. به

1. Fallis

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

عنوان نمونه، امروزه در برابر تندروترین جریان ماشین‌باور و تکنولوژی‌زده‌ی حیطه‌ی خدمات اطلاع‌رسانی یعنی بازیابی اطلاعات، رویکرد «کاربرمداری»^۱ یا «انسان‌مداری»^۲ در برابر رویکرد «نظام‌مداری»^۳ قوت گرفته است. چراکه این باور روزبه‌روز در حال تقویت شدن است که بالاخره هدف و مقصود نهایی هر نظام ذخیره و بازیابی اطلاعاتی، انسان است؛ و از این رو نمی‌توان ویژگی‌ها و اقتضائات او را نادیده گرفت.^۴ به قول ساراسویک^۵ (۱۳۸۱) توفیق بزرگ، هنگامی برای رشته و حرفه‌ی ما پیش خواهد آمد که نه ماشین و نه انسان به تنهایی دیده نشوند و به گونه‌ای موفقیت‌آمیز این هدف پی گرفته شود: «محور قرار دادن انسان برای بهره‌گیری از مزیت‌های رایانه‌ای». چنین آرمانی یعنی محوریت انسان در حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی، خود اقتضا می‌کند تا اخلاق در این حرفه جدی‌تر گرفته شود. ریسل^۶ (۲۰۰۷) به یک نمونه‌ی عینی در این باره اشاره می‌کند: لزوم حفظ حریم شخصی انسان‌ها در خدمات کتابداری. طبیعی است که اگر مخاطب حرفه‌ی ما ماشین، مواد اولیه و یا هر چیز دیگری جز انسان بود، حفظ حریم شخصی افراد به عنوان یک ارزش اخلاقی در حرفه‌ی ما مصداق نداشت. به هر روی، این امر که انسان، بهره‌گیرنده‌ی نهایی از خروجی و خدمات حرفه است، از یک‌سوی باید برانگیزاننده‌ی مهمی در اهتمام به اخلاق در این حرفه (و همه‌ی حرفه‌های انسان‌مدار) باشد؛ و از دیگر سو باید مراقبت نمود تا حرفه‌مندان در برابر ویژگی‌های انسانی بهره‌گیران از خدمات این حرفه دچار انحراف اخلاقی نشوند. ویژگی‌های گوناگونی که یک انسان ممکن است به لحاظ قومی، مذهبی، نژادی، سیاسی، ایدئولوژیکی، طبقه‌ی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... واجد آن باشد، برای یک حرفه‌مند در کتابخانه ممکن است به شدت وسوسه‌آمیز باشد تا آن حد که بی‌طرفی یا امانت‌داری خود را از دست داده و درباره‌ی مخاطبان حرفه، دست به قضاوت اخلاقی و ارزش‌گذاری‌های ایدئولوژیک، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و ... بزنند. تقویت اخلاق حرفه‌ای در بین حرفه‌مندان به قصد کاهش احتمال رخداد چنین قضاوت‌ها و ارزش‌گذاری‌های اخلاقی منافی اخلاق حرفه‌ای و در نتیجه، ارتقاء کیفی خدمات حرفه برای همگان و گسترش

1. User Centered

2. Human Centered

3. System Centered

۴. به عنوان نمونه نگاه کنید به:

تفکو ساراسویک، "علم اطلاع‌رسانی". ترجمه‌ی علیرضا بهمن‌آبادی، مبانی، تاریخچه و فلسفه‌ی علم اطلاع‌رسانی: گزیده‌ی مقالات (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱)، ص. ۴۹-۸۴

5. Saracevic

6. Riehl

کمی آن برای همه‌ی انسان‌ها - صرف نظر از هر قشری اجتماعی - می‌تواند به ارتقاء شأن و منزلت حرفه بینجامد.

۴- افزایش روزافزون اهمیت دسترسی به اطلاعات: گرچه در هیچ دوره‌ای از تاریخ سراغ نداریم که اطلاعات و خدمات اطلاع‌رسانی، امری تفننی، جنبی و یا فانتری بوده باشد، ولی باید اذعان کرد که اطلاعات، امروزه در حال بدل شدن به عاملی است که چگونگی توزیع آن می‌تواند در ساخت طبقات و قشرهای اجتماعی دخیل باشد.^۱ این موضوع که توزیع نابرابر اطلاعات می‌تواند به ایجاد «دارا» و «ندار» اطلاعاتی و حتی می‌تواند به شکل‌دهی نوع خاصی از نظام طبقات اجتماعی بینجامد، ضرورت ایجاد تعهد اخلاقی در کتابداران و اطلاع‌رسانان را به عنوان وابستگان به حرفه‌ای که می‌تواند در کاهش این توزیع نابرابر و تعدیل تبعات آن (شکاف‌ها و قشری‌های طبقاتی) دخیل باشد، بیش از هر زمان دیگری آشکار ساخته است. به عبارت دیگر، افزایش اهمیت جنبه‌های تمدنی و اجتماعی اطلاعات، رسالت‌ها و تعهدات اخلاقی جدیدی را برای حرفه‌مندان شاغل در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی (به عنوان نهادهایی اجتماعی و سازوکارهای اطلاعاتی غالباً غیرانتفاعی، همگانی و مردم‌سالار) پیش کشیده که لازم است این رسالت‌ها و مسئولیت‌های اخلاقی در قالب طرح جدی مسایل اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌های آموزشی/ پژوهشی/ صنفی، بیش از پیش مورد توجه و تدقیق قرار گیرند. به تعبیر فرامرز قراملکی (۱۳۸۲) اساساً در کلیه‌ی حرفه‌هایی که حوزه‌ی عمل آنها به بنیان‌های فرهنگی و نهادهای سیاسی جامعه مربوط می‌شود، پرداختن به اخلاق حرفه‌ای آن قدر اهمیت دارد که می‌توان آن را از زیرساخت‌های تمدن بشری به حساب آورد. به گمان نگارنده، تعهدات اخلاقی حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی در قبال ساخت فرهنگی و اجتماعی جامعه، واجد چنین درجه‌ی اهمیتی است. به هر روی، این تعهدات اخلاقی پیش آمده به مثابه‌ی فرصت دیگری است برای تقویت اعتبار حرفه.

۵- خدمت‌محور بودن حرفه: شاید بتوان مفهوم «خدمت» را به مثابه‌ی یک الگوی بنیادین در حرفه‌ی ما در نظر گرفت.^۲ هنوز این آرمان کلی ولی مهم در حرفه‌ی ما پابرجاست: «رساندن

۱. به عنوان نمونه به «نظریه‌ی کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها» در ص ۶۸ این نوشتار نگاه کنید.

۲. باد (۱۳۸۱) علناً و به تصریح با این دیدگاه مخالفت کرده است.

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

اطلاعات مناسب (دقیق، صحیح و مرتبط) در کم‌ترین وقت به استفاده‌کننده‌ی نیازمند^۱. بدیهی است و بی‌نیاز از هر گونه توضیح که مفهوم خدمت^۱ در این آرمان، مستتر و بلکه موج می‌زند. حرفه‌ی ما از جمله حِرَفِ خدمت‌محور است و طبیعی است که طراح و ارائه‌ی هر گونه خدمتی، بی‌نیاز از یک چارچوب اخلاقی برای خدمت‌دهندگان به منظور چگونگی تعامل با خدمت‌گیرندگان نیست. امروزه تدوین و ترویج منشورها و بیانیه‌های اخلاقی در همه‌ی سازمان‌های خدمت‌محور به امری متداول و رایج بدل شده است. کتابخانه‌ها نیز که در قالب همین سازمان‌ها جای می‌گیرند، نیازمند چنین منشورهای اخلاقی‌اند.

۶- لزوم تقویت کارکرد سازمانی و اجتماعی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی: شکی نیست

که کتابخانه‌ها و مؤسسات مشابه، پدیده‌ها و سازمان‌هایی اجتماعی‌اند. چرا که در اغلب آنها، هم درونداد و هم برون‌داد سازمانی، ارتباطات و تقسیم وظایف درون سازمانی، کارکرد اجتماعی و بسیاری دیگر از مختصات یک سازمان اجتماعی، قابل مشاهده است. خاستگاه‌های سازمانی نیز، هم‌چون مقوله‌ی اخلاق از جمله ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی هر حرفه‌ای است^۲. از این‌رو، تقویت خاستگاه‌های سازمانی حرفه‌ی ما که همانا کتابخانه‌ها و مؤسسات مشابه اطلاع‌رسانی است، خود به خود، تقویت حرفه و پشتوانه‌های حرفه‌ای رشته را به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین الزامات برای تقویت و توسعه‌ی کتابخانه‌ها از حیث جنبه‌های سازمانی و اجتماعی آن، اهتمام به موضوع اخلاق حرفه‌ای است. امروزه بر اساس مفهوم‌سازی‌های جدید، آن قدر این دو مقوله (مفاهیم سازمان و اخلاق حرفه‌ای) به هم تنیده‌اند، که اساساً اخلاق حرفه‌ای را همان مسئولیت‌های اخلاقی بنگاه یا سازمان تعریف کرده‌اند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۲). از منظری دیگر، اخلاق حرفه‌ای، رفتار ارتباطی یک سازمان با محیط بر اساس حقوق و تعهدات و وظایف تعریف شده است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۲). بنابراین، پرداختن به موضوع اخلاق حرفه‌ای،

۱. برخی چون باد (۱۳۸۱) البته به‌درستی «خدمت» را مفهومی غیرشفاف می‌دانند. بنابراین جای توضیح دارد که از این رو کلمه‌ی «بدیهی» در عبارت بالا به کار رفته که مفهوم «خدمت» در آن با همان تصور و تعبیر عامیانه و عرفی‌اش، مفروض شده است.

۲. به عنوان نمونه به پانویس ۳ ص ۵۵ نگاه کنید. در پانویس مذکور، به تعریف فرهنگ وبستر (۱۹۶۱) از مفهوم حرفه اشاره شده که در این تعریف، از عنصر «سازمان و تشکیلات» به عنوان یکی از خصوصیات حرفه یاد شده است.

تقویت جنبه‌ها و خاستگاه‌های سازمانی حرفه را به دنبال دارد که ناگزیر به تقویت و توسعه‌ی کلیت حرفه می‌انجامد. چنین رابطه‌ای در پنج اصل پیش گفته نیز، مستقیم یا غیرمستقیم، مورد اشاره قرار گرفته است.

همان‌طور که چندین بار در این نوشتار مورد تأکید قرار گرفت، فهرست کردن الزامات و تعهدات اخلاقی که به صورت بایدها و نبایدها تدوین می‌شوند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲) نیاز به عقبه‌ای فلسفی و نظریه‌ای دارند که باید با طرح بیشتر مباحث بنیادین اخلاق حرفه‌ای، چنین خوراک علمی فراهم گردد. در ادامه‌ی این نوشتار ضمن تشریح بیشتر پیوند فلسفه‌ورزی و نظریه‌پردازی به عنوان پایه‌ای اساسی در تدوین و ترویج مباحث و اصول اخلاق حرفه‌ای، به نظریه‌ی پیشنهادی نگارنده تحت عنوان «نظریه‌ی کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها» به عنوان مقدمه‌ای در این راه اشاره شده است.

فلسفه و نظریه در اخلاق حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی

در جای‌جای این نوشتار بر این امر تأکید شد که تدوین (و در درجه‌ی بعد آموزش و ترویج) اخلاق حرفه‌ای که کاری است مفید و واجب - چه برای حرفه‌مندان و چه برای کمک به کسانی که می‌خواهند خارج از این حوزه به دیدگاه‌ها و آرمان‌های آن بنگرند - فراتر از نوشتن دستوری و آیین‌نامه‌وار مجموعه‌ای از گزاره‌های اخلاقی (بایدها و نبایدها) بر اساس اصول اخلاقی متعارف است. هر باید و نبایدی که مبنای فلسفی و توجیه عقلی کافی نداشته باشد، در حدّ دستوری فرمایشی باقی خواهد ماند. در مقابل، منشور اخلاقی که بر اساس یک نظام فلسفی منسجم، مستخرج شود و باید و نبایدهای آن، خروجی خودبه‌خودی مجموعه‌ای از اصول و نظریه‌های بنیادین یک نظام فلسفی مستحکم است، مسلماً قابل دفاع، باورپذیرتر، نافذتر، قابل انتقال و آموزش، و به هر روی، چیزی فراتر از یک مجموعه دستوری صرفاً فرمایشی خواهد بود. با این حال، همواره این وسوسه وجود دارد که در طرح مبحث اخلاق حرفه‌ای در هر رشته، حرفه و یا حتی سازمانی، فهرستی از بایدها و نبایدهایی را بدون کنکاش‌های نظری/فلسفی/تجربی کافی بر اساس گزاره‌های عرفی اخلاقی، پیشنهاد دهیم. چنین نظام‌نامه‌ی اخلاقی نه تنها ممکن است با نخستین پرسش‌گری‌های موشکافانه از سوی حرفه‌مندان ارشد و متخصصان مربوطه با دشواری روبه‌رو و تا آستانه‌ی فروریختن نظم و نظام ظاهری‌اش پیش رود؛

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

که حتی به سبب آنکه چنین نظام‌نامه‌ی بی‌پشتوانه و بی‌عقبه‌ای به لحاظ نظری و فلسفی قابل تدوین و تشریح در قالب برنامه‌های آموزشی (رسمی و غیررسمی) نیست، به دشواری می‌توان تصور کرد که ارزش‌های پیشنهادی آن برای حرفه‌مندان فرو دست‌تر هم قابلیت درونی شدن و باورپذیری عمیق داشته باشد. بسیاری از این نظام‌های اخلاقی بی‌پشتوانه یا ضعیف (به لحاظ عدم بهره‌گیری از منظومه‌های نظری/فلسفی قوی) در نظر منتقدانی چون نیچه (۱۳۸۲) در حدّ زبان اشارات عواطف تنزّل داده می‌شوند. به همین سبب کسانی چون وبر (۱۳۷۱) هشدار داده‌اند که توجه و تأکید بر اخلاق عملی نباید منجر به نادیده گرفتن بنیادهای اصولی و نظری شود؛ یا صاحب‌نظرانی چون ویتال^۱ (۲۰۰۱) بهره‌گیری از فلسفه‌ی کاربردی^۲ را در مبحث اخلاق حرفه‌ای توصیه می‌کنند.

متأسفانه، ردّ پای چنین عارضه‌ای در حرفه‌ی ما و مبحث اخلاق حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی قابل مشاهده است. فلیس (۲۰۰۷) از جمله کسانی است که به این عارضه اشاره داشته است. وی معتقد است که بیشترین تأکیدات در دوره‌های آموزشی اخلاق حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی بر مطالعات موردی^۳ و نه تئوری استوار است. حتی به لحاظ کمی، همین دوره‌های آموزشی متمرکز بر مطالعات موردی هم گسترش چندانی نداشته‌اند. در این باره، در بند پیشین نوشتار به نقل اسمیت (۲۰۰۲) اشاره رفت که در آن، اسمیت دست به قیاسی میان دوره‌های آموزشی کتابداری و علوم رایانه در موضوع واحدی (اخلاق اطلاعات) زده بود و با گله‌مندی از کمیت و حجم پایین این دوره‌ها در دنیای کتابداری یاد کرده بود. گرچه در این باره تحولات مثبتی نیز به چشم می‌خورد؛^۴ لیکن به گمان نگارنده به دو علت ریشه‌ای و بنیادین، همچنان کارها در این زمینه کم‌حجم و غالباً کم‌عمق است.

اول اینکه ضعف نظری و فلسفی مشهود در رشته باعث شده تا منظومه‌های نظری محکمی به حدّ کفایت برای پژوهش‌گران و مدرسان این حوزه در دسترس نباشد؛ و بدتر از آن افراط در عمل‌گرایی و غفلت از جنبه‌های نظری در میان بسیاری از وابستگان به حرفه‌ی ما سبب شده تا

1. Vittal

2. Applied Philosophy

3. Case study

۴. به عنوان نمونه نگاه کنید به:

"Strategic report and plan: college of mass communications and information studies" (2004). Available at: www.sc.edu/cmci/pdf/StratRept2004.pdf

در برخی از طرح بحث‌ها در حیطه‌ی اخلاق حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی اساساً چنین نیازی به مباحثی چون فلسفه‌ی اخلاق از یک سو و نظریه‌های مرتبط با رشته و حرفه از سوی دیگر، احساس نشود. دومین عامل بازدارنده نیز به عدم تکامل تمام عیار روند حرفه‌ای شدن کتابداری و اطلاع‌رسانی باز می‌گردد؛ که خود از جمله معلول‌های عارضه‌ی پیش‌گفته است. در عوض، حرفه‌ای شدن و تقویت شأن و اعتبار حرفه، بهترین زمینه‌ساز طرح و ترویج مباحث اخلاق حرفه‌ای در رشته‌ی ما خواهد بود.

نظر به اهمیت بنیادین فلسفه و نظریه در پی‌افکنی هر نظام‌نامه‌ی اخلاقی که شاه‌بیت این نوشتار بوده است، در ادامه نظریه‌ی پیشنهادی نگارنده (نظریه‌ی کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها) که می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای بر این کار تلقی شود، به طور فشرده آورده شده است.^۱

نظریه‌ی کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها^۲

سه گزاره‌ی «کتابخانه‌ها باید در هر زمان با توجه به اقتضائات موجود، به بازکاوی و بازاندیشی در باب فلسفه‌ی وجودی خود و خدمات‌شان پردازند»، «اطلاعات، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عنصر سازنده تمدن انسانی است» و «توزیع نابرابر اطلاعات در یک ساختار اجتماعی، می‌تواند موجب قشربندی‌های اجتماعی شود»، اساس نظریه کارکرد تعادلی کتابخانه‌هاست. تفسیر خلاصه‌ای از این سه گزاره که همانا نظریه‌ی کارکرد تعادلی کتابخانه‌هاست، بدین شرح است:

کتابخانه‌ها به عنوان پدیده‌ها و نهادهایی اجتماعی، جزئی از ساختارهای اجتماعی و تمدن بشری‌اند. آنها نهادهایی خدمت‌محور (خدماتی) محسوب می‌شوند که بدون وجود جامعه‌ی استفاده‌کننده، بی‌معنی یا لااقل دورافتاده از هویت اصیل خود به نظر می‌آیند. بنابراین، لازم است

۱. نظریه کارکرد تعادلی، حاصل یک پژوهش مستخرج از یک بحث دیالکتیک (جدلی) است. لیکن در اینجا به جهت اختصار فقط نتایج توصیف شده‌اند. برای آگاهی از جدلیات و حواشی این نظریه نگاه کنید به: امیر ریسمانباف، "اطلاعات و جامعه؛ بستری برای تبیین فلسفی خدمات کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، دریچه‌ای به سوی تدوین اخلاق حرفه‌ای کتابداران (نظریه کارکرد تعادلی)"، ارائه شده در دومین همایش سراسری دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان (کرمان، ۳۰ آبان - ۱ آذر ۱۳۸۶).

۲. کل مطالب این بند از اثر ذکر شده در پانویست پیشین نقل شده است.

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

که کتابداران به طور مداوم، نیازها و نگرش‌های جامعه‌ی استفاده‌کننده را دریافت و تحلیل کنند تا خود نیز صاحب نگرش صحیح و هوشمندانه‌ای نسبت به جامعه‌ی استفاده‌کننده شوند. از آن‌جا که کتابخانه‌ها و نیز جامعه‌ی استفاده‌کننده‌شان، جزئی از ساختارهای اجتماعی و نظام‌های تمدنی بشری‌اند، کتابداران و برنامه‌ریزان خدمات کتابخانه‌ای، می‌بایست برای تطبیق با آنچه که «مقتضیات زمانه» و روح حاکم بر نظام تمدنی و ساختارهای اجتماعی مربوطه خوانده می‌شود، دمام دست به پرسش‌های فلسفی گونه بزنند. نظیر آنکه، جامعه‌ای که هزینه‌های مربوط به ساخت و توسعه‌ی نهادهایی به نام کتابخانه‌ها را پرداخت می‌کند، در قبال آن، دارای چه انتظاراتی است؟، یا ویژگی‌های جامعه‌شناختی گروه‌های استفاده‌کننده چیست؟ و چگونه خدماتی را مطلوب خود می‌دانند؟ و مانند آن.

یکی از ویژگی‌های تمدنی عصر حاضر - جامعه‌ی اطلاعاتی - که کتابخانه‌ها باید در این گونه تجزیه و تحلیل‌های کلان، آن را مد نظر قرار دهند، فزونی و مضاعف شدن اهمیت دسترسی و مصرف اطلاعات در وجوه گوناگون تمدن حاضر بشری است. اطلاعات که همواره در تاریخ تمدن بشر، جزء لازم هر تولید و تغییر مادی و معنوی بشرساختی بوده، اینک با ارتقاء و گسترش بی‌سابقه‌ی مهارت‌ها و توانایی‌های بشر در کسب، تبادل و مصرف اطلاعات، محوریت کامل ساختارهای اجتماعی را از آن خود کرده است. در چنین شرایطی، با توجه به آنکه قشربندی‌های اجتماعی، غالباً متأثر از روح حاکم بر نظام تمدنی همان عصر است^۱؛ مسئله‌ی توانایی در دسترسی و مصرف اطلاعات به عامل تأثیرگذاری در نحوه‌ی شکل‌گیری و

۱. در توضیح این رابطه (تأثیرپذیری قشربندی اجتماعی در هر نظام اجتماعی از نظام تمدنی حاکم بر آن جامعه) باید گفت، چون قشربندی اجتماعی به عنوان تجسم روابط کلان اجتماعی در هر جامعه‌ای، معلول شرایط پیچیده حاکم بر ساختارهای اجتماعی آن جامعه است و نیز به سبب آنکه شرایط حاکم بر ساختارهای اجتماعی، بی‌تردید خود متأثر از ویژگی‌های تمدنی حاکم بر آن اجتماع است، ویژگی‌های مربوط به قشربندی‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای را می‌توان تا حدود زیادی وابسته به نوع نظام تمدنی حاکم بر آن اجتماع دانست. رد پای چنین انگاره‌ای را می‌توان در لایه‌لای بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناختی یافت. به عنوان نمونه، ماکس وبر (۱۳۷۱) تحت تأثیر نظام تمدنی سرمایه‌داری به این باور می‌رسد که در کلیه‌ی جوامع سرمایه‌داری، هم مذهب و هم روح سرمایه‌داری توانسته است توزیع اجتماعی جمعیت را بر حسب نیازمندی‌هایش تغییر دهد و ساختار شغلی جامعه را تعیین کند. با لحاظ این نکته که «ساختارهای شغلی» یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در شکل‌دهی قشربندی‌های اجتماعی است؛ نظر وبر بر این است که روح سرمایه‌داری (به عنوان نظام تمدنی غالب در زمان وبر) توانسته در ساختارهای شغلی جامعه و از آنجا بر شکل‌دهی طبقات و قشربندی‌های اجتماعی اثرگذار باشد.

چینه‌بندی قشرها و طبقات اجتماعی بدل شده است. خاصه آنکه ویژگی شدیداً اجتماعی پدیده‌ی اطلاعات که به سرعت می‌تواند چرخه‌های محدود و محبوس اطلاعات را به طبقات اجتماعی قدرتمند بدل سازد و نیز ویژگی ذاتی جامعه‌ی اطلاعاتی که خود از یک تجدید ساختار تکنولوژی‌بنیاد بر اساس همان الگوهای جامعه‌ی سرمایه‌داری شکل گرفته^۱؛ این امر را به طرز محسوسی تشدید ساخته است. از این‌رو، چنان که سازوکارهای مناسبی وارد عمل نشوند و در جهت تعدیل چنین شکاف عمیقی میان «دارا» و «ندار» اطلاعاتی همت نگمارند، پیدایش تضادهای طبقاتی و محرومیت‌های گسترده‌ی اجتماعی در تمدن بشری حاضر، از سوابق تجربه شده در نظام سرمایه‌داری نیز وخیم‌تر خواهد بود.

بخش‌های دولتی نظیر آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی دولتی؛ و نیز بخش خصوصی، نظیر شبکه‌ها و پایگاه‌های گوناگون اطلاعاتی (به شرط وجود حمایت‌های دولتی جهت دسترس‌پذیری آنها)، کتابخانه‌ها، مراکز اطلاع‌رسانی و رسانه‌های ارتباط جمعی وابسته به سازمان‌های مردم‌نهاد^۲ و ... همگی در این باره رسالت مهمی بر دوش دارند. در این میان، نقش و رسالت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در پیکار با پیدایی تضادهای عمیق ناشی از توزیع نابرابر اطلاعات، و به بیانی دقیق‌تر، در مبارزه با انواع تبعیض‌های اجتماعی، در قیاس با سایر سازوکارهای اجتماعی دست‌اندرکار دسترس‌پذیری و توزیع اطلاعات در جامعه می‌تواند مؤثرتر واقع شود. نه تنها پیشینه‌ی درخشان مردم‌سالارانه‌ی کتابخانه‌ها - لاقلاً در سده‌های اخیر - و غلبه‌ی جنبه‌ی مردم‌گرایانه‌ی خدمات آن بر جنبه‌های تجاری در این میان، مایه‌ی امیدواری است. مهم‌تر از آن، به قول الکین^۳ (۱۳۸۱) کتابداران از آنجا که گذشته از روی‌آوری به فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی، به طور خاص با دانش و اطلاعات (محتوا) سر و کار دارند و به وسیله‌ی ارزیابی، دسترس‌پذیری منسجم و استاندارد، رسانه‌ای کردن، بسته‌بندی و ارتقاء اطلاعات به ارزش و اهمیت آن می‌افزایند؛ محصول عمل مطمئن‌تر و دسترس‌پذیرتری را

۱. بر خلاف آنچه که برخی تصور می‌کنند، روند کلی جریان‌های اجتماعی در عصر جامعه‌ی اطلاعاتی، رفتن به سوی یک جامعه‌ی آرمانی که در آن لزوماً از جریان آزاد اطلاعات حمایت می‌شود، نیست. بلکه مسأله‌ی تبعیض میان «دارا» و «ندار» اطلاعاتی در جامعه‌ی اطلاعاتی، تا حدودی جزو ذات چنین نظام تمدنی است. چرا که به قول کاستلز (۱۳۸۰)، اساساً اطلاع‌گرایی در این نظام تمدنی، به لحاظ تاریخی از تجدید ساختار شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری در اواخر قرن بیستم شکل گرفته است.

2. N.G.O. (Non-governmental organization)

3. Elkin

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

می‌توانند در بازار اطلاعات ارائه سازند. بنابراین، کتابداران می‌بایست با درک مقتضیات زمانه‌ی حاضر، کارکرد اصلی خود و خدمات کتابخانه‌ها را ایجاد تعدیل در قشربندی‌های اجتماعی ناشی از توزیع نابرابر اطلاعات بدانند؛ چیزی که در این نوشتار به اختصار «کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها» خوانده شده است. این گونه، در آینده می‌توان انتظار داشت که کتابخانه‌ها با روی آوردن به سوی آن دسته از طبقات اجتماعی که اکنون محروم هستند، در ایجاد یک جامعه‌ی برابر یا لاقفل با نابرابری‌های کمتر، سهم خواهند شد (پانیاراجون^۱، ۱۳۸۰) و پاسخگوی نیاز و توقع زمانه‌ی حال حاضر خواهند بود. در این صورت، قطعاً درک عمومی نیز از کتابخانه‌ها و خدمات کتابداری، بهبود خواهد یافت.

می‌توان تصور کرد که «کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها» به عنوان جزیی از منشور اخلاق حرفه‌ای کتابداران و نیز به عنوان بخشی از فلسفه‌ی رشته و حرفه، به گونه‌ای مستدل و علمی، تبیین و تدریس شود. اگر بپذیریم که «کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها» رویکردی انسان‌گرایانه و مردم‌سالارانه در تبیین فلسفی خدمات کتابخانه‌هاست؛ نه تنها می‌توان این نظریه را هم جزیی از اخلاق حرفه‌ای رشته و هم جزیی از فلسفه‌ی آن دانست؛ بلکه می‌توان ادعا کرد که رویکرد انسان‌گرایانه‌ی این نظریه می‌تواند نقطه‌ی ثقل اخلاق و فلسفه‌ی حرفه به حساب آید. چرا که به تعبیر فیلد^۲ (۱۹۴۹)، انسان بزرگترین هدف کتابخانه است. آزادی او بالاترین موقعیت او و آزادی فکر او که عنصر اساسی آزادی می‌باشد، هدف نهایی کتابخانه بوده و کتابخانه یکی از اولین ضروریات برای حفظ این موقعیت‌هاست (گاسول دو هوروویتس^۳، ۱۳۸۵). بسیار شنیده‌ایم که ایجاد یک سیستم مشترک، ارزشمند و بدون تعصب که اعضا در آن احساس امنیت کنند و در آن، فرآیند یادگیری تسهیل و تسریع شود (الکین، ۱۳۸۱)، یک آرمان بزرگ برای کتابخانه‌هاست و نظریه‌ی «کارکرد تعادلی» تبیینی فلسفی از چرایی طرح و ضرورت تحقق این آرمان است.

به طور کلی، هدف از طرح کارکرد تعادلی کتابخانه‌ها در اخلاق و فلسفه‌ی حرفه، تأکید بر حمایت ویژه از کسانی است که در یک جامعه، نسبت به سایرین از امکانات و توانایی‌های کمتری در دسترسی و مصرف اطلاعات برخوردارند؛ نظیر افراد کم‌درآمد، افرادی که از

امکانات آموزشی کمتری برخوردارند یا سطح سواد آنها پایین است، بیکاران، سالمندان، افراد ساکن نواحی دورافتاده یا نواحی روستایی، معلولین، والدین تنها، زنان و دختران (در برخی از جوامع)، برخی از اقلیت‌های مهاجر و قومی، رنگین‌پوستان (در برخی از جوامع) و ... (کولن^۱، ۱۳۸۳). با وجود چنین مصادیقی، کارکرد تعادلی در کتابخانه‌هایی که با گروه‌های اجتماعی ناهمگن بیشتری رو در رو هستند، نظیر کتابخانه‌های عمومی، آموزشگاهی و روستایی، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

آموزش اخلاق حرفه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی

یکی از دلایل تأکید این نوشتار بر لزوم وجود پایه‌ی نظری/ فلسفی قوی، توجیه و تبیین اصول اخلاقی مربوط به هر نظام‌نامه‌ی ارزشی آن است که بتوان این اصول پیشنهادی اخلاقی را به گونه‌ای مستدل و منطقی، آموزش داده و ترویج کرد. همان‌طور که پیشتر گفته شد، هدف غایی از پرداختن به موضوع اخلاق حرفه‌ای، احصال مطلوب‌ترین روابط اجتماعی ممکن برای افراد در اجرای وظایف حرفه‌ای مربوطه است، و این مسلماً فقط با نوشتن چند اصل اخلاقی و انتشار ظاهری آن عملی نخواهد شد. زمانی ارزش‌های اخلاقی مورد انتظار در عمل و رفتار عینی آنان - در عین وجود اختیار و آزادی افراد - مجسم خواهد شد که این ارزش‌ها در آنان درونی شود. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای نیل به چنین مقصودی، تدارک برنامه‌های آموزشی و نیز بازآموزی‌های مستقیم و غیرمستقیم است. در واقع آموزش و فلسفه‌ورزی در مبحث اخلاق حرفه‌ای، رابطه‌ی دوسویه‌ای دارند. بدون فلسفی‌اندیشی و نظریه‌پردازی، اصول اخلاقی قابل تدوین، تبیین، ترویج و آموزش نیستند. از طرفی، بدون آموزش، درونی شدن این اصول در افراد هدف و حصول موفقیت نهایی امکان‌پذیر نمی‌باشد. بررسی پیشینه‌ی موضوع اخلاق حرفه‌ای نیز نشان‌گر چنین واقعیتی است که تلاش‌ها برای دستیابی به بهترین و محکم‌ترین نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای بدون تدارک برنامه‌ها و سیاست‌هایی برای ترویج و آموزش و درونی کردن اصول آن در میان حرفه‌مندان، به ناکامی منجر شده است. فرامرز قراملکی (۱۳۸۲) به موج تردیدها و بدگمانی‌هایی که به میزان کارآمدی و اثربخشی منشورهای اخلاقی در سازمان‌ها ایجاد شده، اشاره می‌کند. به تعبیر وی، تا زمانی که در میان مخاطبان این منشورهای

1. Cullen

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

اخلاقی، بصیرت و دانایی کافی درباره‌ی اصول و تعهدات اخلاقی مطلوب، ایجاد نشود، نمی‌توان صرفاً از یک نوشته‌ی روی کاغذ و نصب آن در نظر همگان، انتظار تحوّل رفتاری از افراد را داشت.

به هر روی، روش‌های آموزشی گوناگونی را می‌توان برای این منظور طراحی کرد. در کنار آموزش‌های رسمی که معمولاً خاستگاه آن دانشگاه‌ها می‌باشند، برگزاری دوره‌های آموزشی غیررسمی و نیز دوره‌های منظم ادواری بازآموزی برای حرفه‌مندان از طریق انجمن‌های صنفی از اهمیت بالایی برخوردار است. اهمیت دوره‌های آموزشی غیررسمی و نیز دوره‌های بازآموزی از آن جهت است که اینها «آموزش‌های در حین عمل»^۱ محسوب می‌شوند که یک راهکار مهم آموزشی در حوزه‌ی اخلاق حرفه‌ای است. از آن‌جا که آموزش‌ها درباره‌ی اصول اخلاقی، آموزش سبک خاصی از زندگی حرفه‌ای است (فرامرزی قرامالکی، ۱۳۸۲) و باید حرفه‌مندان این سبک و سیاق مطلوب را هم‌زمان با آموزش، تجربه کنند و یا به عبارت بهتر با این آموزه‌ها زندگی کنند، امروزه این نوع روش‌ها جایگزین روش‌های قدیمی آموزش مستقیم شده است؛ چرا که در آموزش‌های حین عمل، فرد عملاً در وضعیت کار و محیط عملیاتی قرار گرفته و با آموزه‌های ارائه شده، ارتباط بیشتر، بهتر و عمیق‌تری برقرار می‌سازد.

همچنین تکرار و توالی در برگزاری دوره‌های بازآموزی در موضوع اخلاق حرفه‌ای برای نیل به موفقیت در کار، حیاتی است. داستان‌ها و روایات زیادی درباره‌ی علاقه‌ی بزرگان دینی به شرکت در مجالس وعظ وجود دارد. اصولاً در همه‌ی ادیان، موضوع اکتساب و تثبیت سجایای اخلاقی با «موعظه» به عنوان یک سازوکار آموزشی (از نوع آموزش‌های غیررسمی و بسیار شبیه به دوره‌های بازآموزی) گره خورده است. ریشه‌ی چنین پیوندی در ذات ارزش‌ها و اصول اخلاقی نهفته است. این ارزش‌ها حتی پس از کسب و درونی شدن باز به طور مستمر نیاز به تثبیت دارند. دوره‌های ادواری بازآموزی برای حرفه‌مندان، پاسخگوی چنین نیازی‌اند.

فرجام سخن

نظام‌های اخلاقی گوناگون، هر یک مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها را بر اساس یک اصل و ملاک نهایی برای داوری‌های ارزشی پیشنهاد داده‌اند. هر نظام اخلاقی برای بقاء و نیز

1. Action Learning

کاربردش باید از عقبه‌ی فلسفی محکمی برخوردار باشد تا آن هنگام که اصولش به چون و چرایی گذارده می‌شود، از عهده‌ی پاسخ برآید. اخلاق حرفه‌ای که از اقسام اخلاق کاربردی و از ثمرات دوران اصلاح‌طلبی دینی در اروپا و نیز انقلاب کپرنیکی در اخلاق است، به مانند هر نظام‌نامه‌ی اخلاقی بی‌نیاز از بنیادهای نظری و فلسفی نیست. حرفه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی به سبب سنت انسان‌مداری‌اش نظیر تمامی حرفه‌های انسان‌مدار، سخت به چارچوب‌های اخلاقی برای مواجهه با مخاطبان‌ش نیازمند است. در عین حال، این حرفه به دلیل ضعف نظری در این باره، دستاوردهای کمی داشته است. حرفه‌ی ما چنانچه بخواهد در مصاف با حرفه‌های رقیب پابرجا بماند و نیز اعتبار و شأن بیشتری یابد، می‌بایست به تقویت جنبه‌های حرفه‌ای‌اش دست یازد که یک راهکار مهم در این باره، همانا اهتمام بیشتر نظریه‌پردازان و حرفه‌مندان‌ش به موضوع اخلاق حرفه‌ای است؛ چرا که اخلاق حرفه‌ای از ارکان مهم و تعیین‌کننده‌ی هر حرفه‌ای به حساب می‌آید. در این نوشتار، «نظریه‌ی کارکرد تعادلی» به عنوان مقدمه‌ای در تبیین فلسفی و ماهوی رشته و اخلاق حرفه‌ای مربوطه پیشنهاد شد. پیشنهادهای این نوشتار در باب آموزش اخلاق حرفه‌ای، تأکید بر دوره‌های آموزشی در حین عمل و نیز دوره‌های ادواری بازآموزی بوده است.

منابع و مآخذ

- اسپینوزا، باروخ (۱۳۶۴). *اخلاق*. ترجمه محسن جهانگیری. تهران: نشر دانشگاهی.
- اسفندیاری مقدم، علیرضا (ویراستار) (۱۳۸۶). *اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان*. تهران: کتابدار.
- باد، جان (۱۳۸۱). مبانی معرفت‌شناختی کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه نجلا حریری. در *مبانی، تاریخچه و فلسفه‌ی علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات*، به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی (ص ۳۱۷-۳۴۹). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- باکلند، مایکل کیبل (۱۳۸۲). *خدمات کتابخانه در نظریه و عمل*. ترجمه‌ی مرتضی کوکبی. تهران: چاپار.
- پانیاراجون، آناند (۱۳۸۰). رسیدن به دروازه‌های اطلاعاتی: وظیفه‌ای ناتمام، ترجمه عبدالحسین آذرننگ. در *گزیده مقالات ایفلا ۹۹ (بانکوک: ۲۰-۲۸ اوت ۱۹۹۹)*، زیر نظر عباس حری، به همت و ویراستاری تاج‌الملوک ارجمند (ص ۵-۱۱). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

جهانگیری، محسن (۱۳۶۴). مقدمه‌ی مترجم. در باروخ اسپینوزا، *اخلاق*، ترجمه محسن جهانگیری (ص یک - مجده). تهران: نشر دانشگاهی.

حسینی، محمد (۱۳۸۷، ۱ آبان). لزوم تأمل درباره تعیین حدود دانش و فناوری، روشنفکران و آینده علم. *جام جم*، ص ۱۱.

ریسمانباف، امیر (۱۳۸۶، ۳۰ آبان - ۱ آذر). اطلاعات و جامعه؛ بستری برای تبیین فلسفی خدمات کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، دریچه‌ای به سوی تدوین اخلاق حرفه‌ای کتابداران (نظریه‌ی کارکرد تعادلی). مقاله ارائه شده در دومین همایش سراسری دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی، کرمان.

ریسمانباف، امیر (۱۳۸۵). کتابداری حرفه‌ای مبتلا به فقر نظری؛ پیامدها و پیشنهادهایی برای بهبود. *اطلاع‌شناسی*، ۱۳ و ۱۴، ۶-۳۲.

ریسمانباف، امیر (۱۳۸۵، ۲۲-۲۳ آذر). *کتابداری، حرفه‌ای مبتلا به فقر نظری؛ نگرشی بر ضرورت آگاهی متخصصان علم اطلاعات از بنیادهای نظری علم ارتباطات*. ارائه شده در اولین همایش سراسری کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

ساراسویک، تفکو (۱۳۸۱). علم اطلاع‌رسانی، ترجمه‌ی علیرضا بهمن‌آبادی. در *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی (ص ۴۹-۸۴). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

سروش، عبدالکریم (۱۳۶۰). دانش و ارزش: پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق، اخلاق علمی، اخلاق تکاملی.... تبریز: یاران.

فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۲). *اخلاق حرفه‌ای*. تهران: مؤلف.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز. تهران: طرح نو.

کولن، رونا (۱۳۸۳). نکاتی درباره‌ی شکاف دیجیتال، ترجمه سیمین قطبی. در *گزیده مقالات ایفلا ۲۰۰۱* (بوستون، ۱۶ - ۲۵ اوت ۲۰۰۱). زیر نظر فریبرز خسروی؛ به همت و ویراستاری سیمین نیازی (ص ۳۷۳-۳۹۷). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

الکین، جودیت؛ لاو، درک (۱۳۸۱). *مدیریت اطلاعات*. ترجمه زهرا حداد، ملیحه خوش تراش سندی؛

- ویرایش فرزانه امین پور؛ زیر نظر فریبرز خسروی. تهران: سرا.
- گاسول دو هوروویتس، روزاریو (۱۳۸۵). *کتابداری از دیدگاه جهان سوم*. ترجمه علی شکویی، ویراستار حسین مختاری معمار. تهران: چاپار.
- مختاری معمار، حسین (۱۳۷۶). *درآمدی بر کتابداری*. تهران: قو.
- مدرسی، محمدرضا (۱۳۷۶). *فلسفه اخلاق: پژوهش در بنیان‌های زبانی، فطری، تجربی، نظری و دینی اخلاق*. تهران: سروش.
- مور، جورج ادوارد (۱۳۶۶). *اخلاق*. ترجمه اسماعیل سعادت. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نشاط، نرگس (۱۳۸۱). *اخلاق حرفه‌ای*. در *دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی* (ج. ۱، ص ۱۱۱-۱۱۳). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- نقیب‌زاده، میر عبدالحسین (۱۳۶۴). *فلسفه کانت، بیداری از خواب دگماتیسم: بر زمینه‌ی سیر فلسفه‌ی دوران نو*. تهران: آگاه.
- نیچه، فریدریش (۱۳۶۲). *فراسوی نیک و بد: پیش‌درآمد فلسفه‌ی آینده*. ترجمه داریوش آشوری. تهران: خوارزمی.
- ویر، ماکس (۱۳۷۱). *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*. ترجمه عبدالمعبد انصاری. ویراستار علی هاشمی گیلانی. تهران: سمت.

- Fallis, Don (2007). Information Ethics for 21st Century Library Professionals, *Library Hi Tech*, 25, 1 (2007), pp. 23-36. Retrieved from <http://dlist.sir.arizona.edu/1820/01/fallislibraryhitech.pdf>
- Riehl, Donna (2007). Students' Privacy Rights in School Libraries: Balancing Principles, Ethics and Practices, *Canadian Association for School Libraries: Journal of the Canadian Association for School Libraries*, Retrieved from <http://www.cla.ca/casl/slic/262studentsprivacyrights.html>
- Shachaf, P. (2005). A global perspective on library association codes of ethics, *Library & Information Science Research*, 27 (4), pp. 513-533, Retrieved from http://dlist.sir.arizona.edu/1757/01/Code_of_Ethics.pdf
- Smith, Martha M. (2002). Global Information Ethics: A mandate for professional education. In *68th IFLA Council and General Conference (Glasgow, 18-24 August 2002)*, Retrieved from <http://www.ifla.org/IV/ifla68/papers/056-093e.pdf>
- Strategic report and plan: college of mass communications and information studies (2004). Retrieved from www.sc.edu/cmci/pdf/StratRept2004.pdf

مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی...

Vittal, N. (2001). Applied philosophy and professional ethics. Retrieved from <http://cvc.nic.in/vscvc/cvcspeeches/sp6nov01.pdf>

به این مقاله، این گونه استناد کنید:

ریسمانباف، امیر (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی (با تأکید بر دو مؤلفه‌ی نظریه و آموزش). *پیام کتابخانه*، ۱۵ (۲)، ۴۹-۷۵.